

نقش حکومت ایرانی آل بویه در برپایی مراسم شیعه در عراق

حسین پورا احمدی

می کردند مراسم و مواسم شیعه امامیه از قبیل عزاداریهای عاشورا جشن غدیر خم، سنت زیارت قبور امامان شیعه (ع)، نحوه آنان گفتن شیمی، استفاده از مهر نماز، که از تربت امام حسین (ع) ساخته می شود و نشانهها و رنگهایی همچون رنگ سیاه برای عزاداری و رنگ سفید در علمها به نشانه علوی بودن، در این زمان گسترش یافت. در این مقاله به بررسی تاریخچه حکومت آل بویه در عراق و نقش آن در برپایی این مراسم و مواسم می پردازیم.

تاریخچه سلطه آل بویه بر عراق

دوران سلطه آل بویه بر بغداد با ورود احمد معزالدوله در سال ۳۲۴ به شهر آغاز گشت و در سال ۴۴۷، با شکست الملک المرحوم آخرین فرمانروای آل بویه، به دست سپاهیان طغرل سلجوقی، پایان پذیرفت.

در این مدت، که نزدیک به یک قرن طول کشید حکمرانی آل بویه بر بغداد با فراز و نشیبهایی همراه بود اما چنانچه از آثار مورخین برمی آید اقتدار آنان در این دوران بلامنازع می نماید. آن گونه که مسعودی، خلفای عباسی این دوره را مهجورانی می داند که کاری در دستشان نبوده است و فقط عنوان تشریفاتی امیرالمومنین را همراه داشتند و خطبه به نامشان می خواندند^۱. ابن خلکان حکام آل بویه را سلطان بغداد می خواند^۲ و بناکتی امیری بغداد را از آن شاهزادگان بویه می داند که از جانب خلیفه به آنان تفویض می شده است^۳. اوضاع بغداد دارالخلافه عباسیان در آستانه سلطه آل بویه آشفته

چکیده مقاله حاضر تحت عنوان «نقش حکومت آل بویه در برپایی مراسم و مواسم شیعه امامیه در عراق» بر اساس روش کتابخانه‌ای و اسنادی تدوین شده است.

عوامل مختلفی همچون آداب و رسوم بومی، باورها و اعتقادات و گرایشات دینی و فرقه‌ای حکومتها، نخبگان و قشرهای مختلف اجتماعی در مراسم و سنتهای پیروان یک مذهب موثر است. بررسی نقش حکومتها در برپایی مراسم و مواسم پیروان یک فرقه، از ضرورتهایی است که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: عراق، آل بویه، شیعه امامیه، عاشورا، غدیر خم، زیارت مقدمه

مراسم و سنتهای یک قوم و ملت و پیروان یک آیین و مذهب در حقیقت تجلی اعتقادات و اصول و باورهای آن مردم است. آداب و رسومی که توسط گروهی از مردم برگزار می شود و مورد احترام قرار گرفته و مقدس شمرده می شود، حاصل گرایشهای دینی، سنتهای قومی و نیازهای اجتماعی و روانی طبقات مختلف جامعه است.

تاریخ شیعه امامیه دارای مقاطع مهم تاریخی است که تشکیل حکومت آل بویه و سلطه این حکومت بر عراق، یکی از این مقاطع مهم به‌شمار می آید. بر طبق قاعده «المنس علی دین ملوکهم»، در دوران سلطه آل بویه، که مذهب شیعه امامیه را حمایت و ترویج

از حضور امیر آل بویه خالی می‌ماند. چنان که در فاصله سالهای ۴۱۶ تا ۴۱۸ چنین اتفاقی افتاد. هر چند که ابوطاهر جلال‌الدوله از خلیفه قائم‌بامرالله (۴۲۲-۴۶۷) لقب شاهنشاه گرفت و این خلون او را سلطان بغداد نامیده است اما واقعیت چنین بود که جلال‌الدوله در طول دوران حکومت خود با ابوالکلیچار امیر دیگر بوهی در نبرد بود و تنها چند سال آخر عمر جلال‌الدوله با ازواج سیاسی که بین دختر جلال‌الدوله و پسر ابوالکلیچار صورت گرفته صلح بین آن دو ایجاد شد.

ضعف حکومت آل بویه در بغداد تا آنجا پیش رفت که در سال ۴۲۴، بر اثر شورش که بر ضد جلال‌الدوله برپا گردید وی ناگزیر به فرار به کرخ شد. هر چند که جلال‌الدوله موفق به سرکوبی این شورش شد، اما طولی نکشید که شورش دیگری در سال ۴۲۷ او را وادار به فرار مجدد کرد.^{۱۷}

بی‌تردید قدرت‌گیری غزنویان و حمایت خلافت عباسی از آنها در ضعف قدرت آل بویه موثر بوده است. غزنویان به علت فرمانبرداری از خلافت مورد پشتیبانی خلیفه بودند و در سال ۲۸۹ القادر برای سلطنت محمود خلعت فاخر و تاج و لقب (یمین‌الدوله و امین‌المله) فرستاد.^{۱۸}

امارت ابوالکلیچار مصلاف با سلطه سلاجقه بر بخش عظیمی از ایران، از جمله قلمرو آل بویه بود. ابوالکلیچار ناچار در سال ۴۳۹ با طغرل سلجوقی صلح کرد و دختر خود را به ازواج طغرل درآورد و دختر چغری‌بیکه برادر طغرل، را هم برای پسر خود ابومنصور، گرفت. در حقیقت از این به بعد آل بویه تحت سلطه سلاجقه درآمدند.^{۱۹}

ابوالکلیچار در سال ۴۴۰، در سفری که به کرمان برای سرکوبی عامل یاغی خود رفته بود فوت کرد و پسرش، ملکرجم، به جای او حاکم آل بویه در بغداد گردید. ملکرجم در طول دوران حکومت خود، که ۶ سال طول کشید (۴۴۰-۴۴۷)، گرفتار کشمکشهای داخلی بود و گاهی سلاجقه از رقبات وی حمایت می‌کردند؛ چنانچه شکست سنگین ملکرجم از برادرش ابومنصور فولاد ستون در اهواز به سال ۴۴۳ بر اثر یاری طغرل سلجوقی از فولاد ستون بود.^{۲۰} سرانجام با ورود طغرل سلجوقی به بغداد، ملکرجم در سال ۴۴۷ اسیر شد و خلیفه دستور داد که به نام طغرل خطبه بخوانند و بدین ترتیب کار این سلسله در عراق عرب و بغداد پایان پذیرفت.^{۲۱} این دستور طغرل به اهالی کرخ، که در سخرگاهان در آنان صبحگاهی بگویند: «اتصلوه خیر من النوم»، آغاز سختگیری بر شیعیان و تعطیل مراسم و مواسم شیعه امامیه در بغداد بود.^{۲۲}

سیاست مذهبی آل بویه

در این بخش از مقاله به بررسی سیاست مذهبی آل بویه، که نقش موثری در حمایت این خاندان از برپایی مراسم و مواسم شیعه امامیه داشته است، می‌پردازیم.

در اینکه آل بویه پیرو مذهب تشیع و دوستدار اهل بیت بودند تردیدی نیست، اما اینکه آیا شیعه جعفری و اثنی عشری یا زیدی

بودند روشن نیست. این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که محیط رشد و قدرت‌یابی آل بویه، قلمروی قدرت مذهب زیدیه بوده است. ابن خلون درباره مذهب آل بویه چنین می‌گوید: «دلیلیان بر مذهب شیعه علوی بودند. ایشان از آغاز اسلامشان به این مذهب گرویدند زیرا به دست اطروش اسلام آوردند»،^{۲۳} باید توجه داشت که ورود اسلام و تشیع به کرانه‌های خزر، هم‌زمان بود. مردم آن سرزمین توسط علویان، به اسلام و تشیع گرویدند اما بیشتر فرزندانگان پیامبر(ص)، که وارد این سرزمین شدند به تبلیغ مذهب زیدی پرداختند.^{۲۴} حاکمان علوی طبرستان بیشتر مروج مذهب زیدی بودند هر چند که همکارهایی بین علویان طبرستان و ایران با بزرگان شیعه امامیه در بغداد وجود داشته است. اما در قرن چهارم در طبرستان اکثریت به شیعه زیدی بود و از این رو خاندان بویه که در چنین محلی پرورش یافتند از آثار فرهنگی و تربیتی آن متأثر بوده‌اند.^{۲۵}

برخی بر این عقیده‌اند که علت روی آوردن حکمرانان آل بویه در بغداد به شیعه امامیه این بود که چنانچه آنان بر مذهب زیدی باقی مانده بودند لازم‌اش قبول امام حی و حاضر و رهبر علوی بود. امامی که بر طبق عقیده زیدیه، فرزندان زهرا(ع) و قیام‌کننده به سیف باشد. در این صورت اطاعت فرمان او بر فرمانروایان آل بویه واجب بود و آنان نمی‌توانستند با قدرت و استقلال، به فرمانروایی بپردازند در حالی که با قبول شیعه امامیه موقعیت دیگری پدید آمد. زیرا امام دوازدهم شیعیان، امامی غایب بود و آل بویه می‌توانستند با احترام نسبت به بزرگان و نقبات شیعه امامیه به حکومت خود ادامه دهند همان گونه که بهاء‌الدوله دیلمی فرمانی به نام شریف رضی نوشت و وی را نقیب و سرپرست شیعیان در تمام سرزمینهای اسلامی قرار داد.^{۲۶}

معنود نویسندگانی همچون پطروشفسکی، حاکمان آل بویه در عراق را بر مذهب سنی می‌دانند. وی معتقد است که هر چند موسسان دودمان آل بویه از شیعیان میانرو (زیدی) و افراد بعدی آن خاندان، در باطن متمایل به شیعیان بوده‌اند اما آنها در ظاهر و به صورت رسمی، سنی‌مذهب بودند.^{۲۷} محتمل است پذیرش ظاهری خلیفه عباسی توسط آل بویه موجب این اشتباه شده باشد. در حالی که با توجه به اوضاع حاکم بر جامعه اسلامی، که بیشتر جمعیت آن را اهل سنت تشکیل می‌دادند، به نظر می‌رسد امیران آل بویه برای جلب نظر و ادامه حکومت بر اکثریت جامعه اسلامی، ناچار به قبول ظاهری خلافت عباسی بودند.

عموم مورخان قدیم و جدید بر شیعه امامی بودن آل بویه تأکید دارند و اعمالی همچون رفتار محترمانه و جانبدارانه فرمانروایان آل بویه نسبت به شیعیان و بزرگان آن مذهب برای مراسم سوگواری عاشورا و عیدغدیر، ساخت مقابر شیعه، به‌ویژه حرم امام علی(ع) و امام حسین(ع) و تقویت و ترویج مذهب شیعه امامی در عراق را مویذ این عقیده می‌دانند.^{۲۸}



به نظر می‌رسد این مسئله ناشی از نفوذ گسترده شیعیان امامیه در عراق قرن چهارم هجری بوده است و حکمرانان آل بویه علاوه بر میل باطنی و گرایشهای شیعی، برای حفظ موجودیت و ادامه حاکمیت خود، به جلب نظر شیعیان و بزرگان آنان نیاز داشته‌اند.

مراسم و مواسم شیعه امامیه در عهد آل بویه عاشورا

پس از بررسی سیاست مذهبی آل بویه اینک به تشریح چگونگی برپایی مراسم و مواسم شیعه امامیه در عهد این خاندان و نقش این حکومت در این مورد می‌پردازیم. ابتدا به مسئله عاشورا و برپایی سوگواری در این روز، که از مهمترین شئونات شیعیان امامیه است، اشاره خواهیم کرد. هر چند که بزرگداشت روز عاشورا و سوگواری برای حسین بن علی (ع) و خاندان و یاران او مربوط به دوران قبل از حکومت آل بویه است اما می‌توان چنین ادعا کرد که این مراسم آن هم در حدی گسترده و با دستور و حمایت حکومت از زمان آل بویه در بغداد آغاز گردید. بنابه نوشته کامل شیعی دستجات عزاداری در شکل جدید (که بعدها در زمان صفویه شکل نمایشی به خود گرفت) نخستین بار در سال ۲۵۲ هجری موجود آمد.^{۳۱}

به دستور معزالدوله در روز عاشورای سال ۲۵۳ عزای عمومی اعلام شد و از مردم خواسته می‌شد که با پوشیدن جامه سیاه انوه خود را نشان دهند. بنا به نوشته مورخین همچون ابن کثیر، زنان یا موی پریشان و چهره سیاه کرده از خانه‌هایشان خارج می‌شدند و بر سر و صورت می‌کوفتند و جامه بر تن می‌زدیند و در عزای امام حسین (ع) می‌گریستند.^{۳۲}

احترام این روز خرید و فروش ممنوع شد قصابان ذبح نکردند و صنف آشپز غذا نمی‌پختند و سقاها از کار بازناشته شدند قبه‌هایی در بازارها برپا شد و پرده‌ها درآویختند.^{۳۳} بنا به نوشته ابن جوزی در روز عاشورای سال ۳۵۲ گریه و ندبه برای امام حسین (ع) و نوحه‌خوانی و برپایی مغم آن امام برگزار گردید.^{۳۴} تا اواخر دوره آل بویه در بیشتر سالها، مراسم عاشورا کموبیش برپا می‌شد. در منابع مختلف به برپایی این مراسم در دوران امرای پس از معزالدوله و از جمله در سالهای ۳۶۷ و ۳۸۷ اشاره شده است. برپایی این مراسم چنان اهمیت داشت که اگر این مراسم همزمان با اعیان ملی، چون نوروز یا مهرگان می‌گشته اجرای مراسم عاشورا ترجیح داده می‌شد و اعیان ملی را به تأخیر می‌انداختند. در سال ۳۹۸ که روز عاشورا مصلاف با عید مهرگان بود مراسم عید را به تأخیر انداختند.^{۳۵}

ابن کثیر در ذکر وقایع سال ۳۶۳ به سنت عزاداری رافضیان (شیعیان) در عاشورا و فتنه عظیمی که بین شیعه و سنی بر سر این مسئله پدید آمد اشاره می‌کند.^{۳۶} ابن اثیر برگزاری مراسم عزاداری حسینی در روز عاشورا در زمان معزالدوله بختیار (۳۶۷-۳۵۶) بر طبق سنت ساهای پیش را آورده است.^{۳۷} ابن العماد حنبلی، به برپایی سنت عزاداری عاشورا در سال ۳۸۷ اشاره کرده است.^{۳۸}

جشن غدیر خم

برگزاری جشن غدیر خم به عنوان مقطع مهم تاریخ شیعه محسوب می‌شود، زیرا بنا بر اعتقاد شیعه در روز ۱۸ ذی‌الحجه سال دهم هجری قمری، پیامبر اکرم (ص)، به هنگام بازگشت از حجاج‌الوابع، در محلی به نام غدیر خم به فرمان الهی حضرت علی (ع) را به جانشینی خود منصوب فرمود. برپایی جشن این حادثه از مراسم مهم شیعه امامیه در طول تاریخ به‌شمار می‌آید.

در دوران آل بویه با توجه به اینکه فرمانروایان این خاندان حامی مذهب شیعه بودند، بزرگداشت واقعه غدیر خم را به منزله عید بزرگ شیعیان در دستور کار خود قرار دادند. برپایی جشن این روز از سال ۳۵۲، یعنی همان سالی که عزاداری عاشورا مرسوم شد، به دستور معزالدوله در بغداد آغاز گردید.^{۳۹}

معزالدوله به مردم فرمان داد که در این روز شهر را آذین‌بندی کنند و به جشن و شادمانی بپردازند. آذین‌بندی شهر با پارچه‌های نفیس با رنگهای شاد انجام می‌شد همان‌گونه که در روز عاشورا با آویختن پلاس (پارچه‌های کهنه و سیاه)، عزا و ماتم را به نمایش می‌گذاشتند. مغازه‌ها بر خلاف روز عاشورا، تا صبح باز بود و طبل و شیپور به نشانه شادی نواخته می‌شد. اجرای مراسم آتش‌بازی و برپا کردن آتشیهای عظیم از دیگر سنتهایی بود که در روز عید غدیر خم انجام می‌شد. این مسئله یونگر نفوذ آداب و رسوم کهن ایرانی در مراسم و مواسم شیعه امامیه در عهد آل بویه است. باامداد

این روز شیعیان ستر قربانی می‌کردند و به زیارت مقابر قریش^{۴۰} می‌رفتند و در آنجا نماز عید را به جا می‌آوردند.^{۴۱} در سالهای بعد نیز حکمرانان آل بویه نسبت به برگزاری جشن غدیر خم اهتمام داشتند. ابن اثیر و ابن کثیر از بزرگداشت این عید در زمان معزالدوله بختیار (۳۶۷-۳۵۶) و ابن جوزی و ذهبی از برپایی جشن غدیر خم به‌وسیله شیعیان محله کرخ بغداد و هجوم گروهی از مردم بابل‌الصره به آنان و پاره‌کردن نشانه‌ها و اعلانیه‌های بهاء‌الدوله (۹۰۳-۳۹۹)، خبر می‌دهند.^{۴۲} ابن العماد حنبلی و هلال صابی نیز از برپایی این جشن در سال ۳۸۹ و مقابله گروهی از اهل سنت با آن به وسیله برپایی جشن یوم‌الغار گزارش تلخاند.^{۴۳} یوم‌الغار اشاره به روزی است که ابوبکر، خلیفه اول، پیامبر اسلام (ص) را در خروج از مکه و پناه گرفتن در غار نور همراهی کرد.

سنت زیارت

یکی دیگر از سنتهای شیعه که در زمان آل بویه مورد توجه فراوان قرار گرفته زیارت قیور ائمه شیعه (ع) بود. با توجه به اینکه شش تن از امامان شیعه (ع) در عراق مدفون هستند^{۴۴} و علاقه شیعیان به زیارت قیور آنها در گذشته وجود داشته حکمرانان آل بویه برای نشان دادن حمایت خود از شیعه و ارادت خود نسبت به امامان شیعه، در مورد مرمت و بازسازی قیور ائمه (ع) و ترویج سنت زیارت اقبال کردند. این موضوع تا آنجا اهمیت دارد که برخی از محققان به ساخت مقابر شیعه به‌ویژه حرم علی (ع) و امام حسین (ع) و امام رضا (ع) و زیارت این مقابر توسط آل بویه را از عوامل مهم شیعه



به سکونت در پیرامون آنها تشویق می‌کردند. آنها برای افزایش تمایل مردم به سکونت در جوار بارگاه ائمه شیعه (ع) اقدامات عمرانی انجام داده و آبپاشی بر در خانه‌ها و منازل مردم جاری ساخته و مستمری ماهیانه و صلعه‌هایی برای ساکنان مجاور مشاهده شریف مقرر می‌کردند. در نتیجه این اقدامات، شیعیان در دوران حکومت آل‌بویه پیاده و سواره برای زیارت قبول اهل بیت (ع) با هم به رقابت و مسابقه می‌پرداختند و از اطراف و اکناف برای سکونت در جوار بارگاه امامان شیعه (ع) به آن نقاط مهاجرت می‌کردند.^{۴۴} خطیب بغدادی از نورات امرای آل بویه از جمله معزالنوله و عضدالنوله برای امامزادگان و علویان خبر می‌دهد.^{۴۵}

از آغاز قدرت و نفوذ آل‌بویه نسبت به زوار کربلا توجه می‌شد و خیمه‌های بزرگی برای اسکان زواری که از نقاط دور دست می‌آمدند برپا شده بود.^{۴۶} مگر مقابل، کسانی که به حرم امامان شیعه جسارت می‌کردند به سختی تنبیه می‌شدند.^{۴۷}

برخی از فرمانروایان آل‌بویه وصیت می‌کردند که جسدشان در جوار مرقد ائمه شیعه (ع) دفن شود. گاهی نیز فرزندانشان اجساد آنها را از یکی از مقابر شریفه دفن می‌کردند. چنانچه ابن‌اثیر را نخستین فرمانروایی که در نجف در جوار مرقد علی (ع) دفن شد عضدالنوله می‌داند. به گفته او عضدالنوله نخست در کاخ بغداد مدفون بود و سپس جنازه‌اش را به نجف منتقل کرده و در جوار مزار

علی (ع) دفن کردند.^{۴۸}
نحوه اذان گفتن

جمله «حی علی خیرالعمل» در اذان از شعارهای بارز شیعه در طول تاریخ بوده است. در اذان شهری، که شیعه‌نشین بودن این جمله بیان می‌شد و از نخستین کار هر حکومت شیعی این بود که به مودن‌ها دستور می‌داد در مناره‌های مساجد و هنگام اذان این جمله را بیان کنند. با روی کار آمدن آل‌بویه در بغداد نیز این کار صورت گرفت. چنانچه تنوخی می‌نویسد در محله قطیعه بغداد (کرخ - کاظمین) این جمله در اذان گفته می‌شد.^{۴۹}

شیعیان از سال ۲۵۶، یعنی اوایل روی کار آمدن آل‌بویه، اجازه گفتن «حی علی خیرالعمل» در اذان یافتند. در سال ۴۴۸، اوایل دوران غلبه سلجوقیان از این کار منع شدند و طغرل سلجوقی اهالی کرخ را مجبور کرد در اذان صبح به جای «حی علی خیرالعمل»، جمله «الصلوه خیر من النوم» را که مخصوص اهل سنت بود بگویند.^{۵۰} بنا به نوشته حسن‌بیگ روملو، در زمان طغرل سلجوقی تا زمان شاه اسماعیل صفوی، یعنی به مدت ۵۲۸ سال ذکر «آشهبان علیاً ولی‌الله و حی علی خیرالعمل» در اذان، از بلاد اسلام برطرف شد.^{۵۱}

ذکر شعار «حی علی خیرالعمل» در اذان، نشانه قوت، و عدم ذکر آن بیانگر ضعف شیعیان هر محله بود. چنانچه پس از درگیری‌های سال ۴۴۱ و حمایت خلیفه از اهل سنت شیعیان کرخ از گفتن جمله «حی علی خیرالعمل» در اذان منع شدند. اما شیعیان محله قلابین و باب‌البره که از قدرت بیشتری برخوردار بودند همچنان در اذان

از آغاز سلطه آل‌بویه بر بغداد حکمرانان و صاحب‌تمصبان این سلسله با زیارت قبور ائمه شیعه (ع) به ترویج این سنت کمک کردند. معزالنوله روزهای پنج‌شنبه با وزرا و اعیان و اشراف و فرماندهان به زیارت کاظمین مشرف می‌شد و صبح شنبه به مقر حکومت خویش در بغداد باز می‌گشت.^{۵۲} مسکویه از عزیمت معزالنوله به زیارت کاظمین مشرف می‌شد و صبح شنبه به مقر حکومت خویش در بغداد باز می‌گشت.^{۵۳} معزالدوله به زیارت مرقد علی (ع) در ۳۶۱ و ۳۶۴ خمر می‌دهد.^{۵۴} همچنین همدانی می‌نویسد که او در سال ۳۶۶، شریف‌ابوالحسن محمدبن عمر را به نیابت خود در بغداد معین کرد و خود با وزیرش به زیارت کربلا رفت.^{۵۵} عضدالنوله در سال ۳۷۱ عازم زیارت کربلا و نجف شد.^{۵۶} ابواسحق صابی به مناسبت بازگشت عضدالنوله از سفرهای زیارتی و احسانی اشعاری سروده است.^{۵۷} ظهیرالدین مرعشی می‌نویسد: امیر معزالنوله مشهد مبارک حضرت امیر (ع) را در نجف و مشهد حضرت سیدالشهدا (ع) را در کربلا و مشهد حضرت موسی و جواد (ع) را در کاظمین و مشهد حضرت عسگری را در سامرا عمارت بسیار فرمود و بر در حرم حضرت امیر (ع) نام خود را نوشت و در آنجا به ۱۸ سوره کهنه: «و کلیمه باسط ذراعیه بالوصیة را ثبت کرد.^{۵۸}

در سال ۴۲۱ جلال‌النوله، یکی از نولاگان عضدالنوله با فرزندان و جمعی از یاران خود برای زیارت، رهسپار کربلا و نجف شد. او در کربلا از جلو قبرستان، پاره‌نه شد و از خندق شهر کوفه تا مشهد امیرالمومنین (ع) در نجف که یک فرسنگ فاصله بود پیاده و با پای برهنه می‌یومد.^{۵۹} علاوه بر این، حکومت آل بویه برای رونق زیارت، اقداماتی انجام دادند. مرمت و بازسازی قبور ائمه (ع)، برپا کردن گنبد و بارگاه باشکوه بر مزار ایشان، احداث نورات و اختصاص دادن موقوفات به این زیارتگاهها، ایجاد تسهیلات برای زائرین و تشویق مردم به سکونت در جوار این مکانهای مقدس و اعطای مستمری و صلعه به مجاورین این بارگاهها، از جمله این اقدامات به حساب می‌آید. همچنین بناکردن کاخها و دفن برخی از امرا در جوار مرقد ائمه شیعه (ع) از دیگر اقدامات آنان بود. معزالنوله در سال ۳۳۶ فرمان داد تا ساختمان قدیمی کاظمین را خراب کرده و ساختمان عظیم و باشکوهی به جای آن برپا کنند. همچنین بر فراز هر کلام از مقبره امامان شیعه (امام کاظم و امام جواد (ع) ضریح جداگانه‌ای ساخت و خود در کنار ضریح، کبوتر باشکوه بنا نمود.^{۶۰} عضدالنوله مرقد امام حسین (ع) در کربلا را بازسازی کرد و گنبد باشکوهی بر فراز آن بنا نمود.^{۶۱} همچنین با هزینه کردن اموال زلای، بنایی باشکوه بر قبر علی (ع) و اطراف آن برپا کرد.^{۶۲}

عضدالنوله در سال ۳۷۱ هنگام زیارت مرقد امام حسین (ع) و حضرت علی (ع)، مبالغ هنگفتی وجوه نقدی و همچنین کمکهای غیرنقدی بین علویان مجاور آن زیارتگاهها تقسیم کرد.^{۶۳} آل‌بویه اوقافی به زیارتگاههای شیعه اختصاص می‌دادند و مردم را



استفاده از مهر نماز، مخصوصاً مهری که از تربت امام حسین (ع) ساخته شده باشد از نشانه‌های دیگر شیعیان امامیه محسوب می‌شود. در دوران آل بویه، افرادی بودند که از تربت امام حسین (ع) تسبیح و مهر تهیه می‌کردند و به مردم هدیه می‌دادند.^{۶۶} پیش از آن، این کار جرم به حساب می‌آمد و خلیفه بغداد به شدت با آن مقابله می‌کرد. چنانچه در سال ۲۷۳ خلیفه مسجد براثا را که محل تجمع شیعیان بود محاصره کرد. گننه می‌شد آنها برای لعن صحابه گرد هم آمدند دستگیری ۳۰ تن از نمازگزارانی که مهرهایی از گل سفید منقوش به نام امم همره نداشتند سبب شد که خلیفه دستور تخریب مسجد براثا را صادر کند.^{۶۷}

از دیگر شعائر شیعیان امامیه بغداد در عهد آل بویه استفاده از رنگ سفید در پوشش و علایم بود. تعالیی در یک بیان خصمانه نسبت به شیعه می‌نویسد که «مردم (شیعه) قبه کاشان و کرخ را در جشنها و اجتماعات با جامه سیدینی و دل‌های سیاه».^{۶۸} در سال ۴۴۹، اهل سنت به خانه ابوجعفر طوسی (شیخ طوسی یکی از علمای بزرگ شیعه در قرن پنجم و مؤلف دو کتب از کتب اربعه شیعه: الاستبصار و تهذیب بود) در کرخ حمله بردند و کتلهای و دفتر او و کرسی که هنگام تدریس بالای آن می‌نشست و سه منجیق سفید را که زوار محله کرخ از قدیم الایام به هنگام زیارت امیرالمؤمنین علی (ع) با خود حمل می‌کردند غارت کرده و سوزاندند.^{۶۹}

در مورد شیوه‌های برگزاری مراسم شیعه در عهد آل بویه نظرات مختلفی ارائه گردیده است. از آنجا که حکمرانان آل بویه ایرانی بودند و نمایی به احیا سنتهای کهن ایرانی داشتند برخی از مورخان به‌ویژه شرق‌شناسان در توجیه اعتقاد خود مبنی بر اینکه تسبیح زبیده فکر ایرانی است، کلیه اقدامات آل بویه را در این راستا تحلیل می‌کنند.^{۷۰} ایشان به روایت مورخان پیشین، فرزندان ابوشجاع بویه را به شاهپور ذوالکفانه بهرام گور و یزدگرد ساسانی منسوب کرده و هدف آل بویه را تجدید عظمت ایران باستان می‌دانند.^{۷۱}

این مسئله موجب شده است که برخی در برابر عقیده رسوخ سنتهای ایران در شیوه‌های برپایی مراسم شیعه در عهد آل بویه واکنش نشان داده و آن را مردود باندند. یکی از نویسندگان هر گونه رابطه‌ای بین شکل عزتاری برای امام حسین (ع) و مراسم کهن در دنیای قدیم به‌ویژه عراق را غیرقابل قبول می‌داند.^{۷۲} از سوی دیگر سیدظهرالدین برخی از سنتهای عزاداری عاشورا را همچون بر سینه کوبیدن و نمدسپاه به گردن آویختن، از رسمهای دیلمیان می‌داند.^{۷۳}

به نظر می‌رسد مشاهده برخی از شیوه‌ها و سنتهای کهن ایران باستان در برپایی مراسم شیعه عهد آل بویه دلیل بر این موضوع نیست که شیعه زباید فکر ایرانی است زیرا شیعه یک آرمان و اعتقاد اصیل و ریشه‌داری است که مراسم و موسام آن بخشی از

شعائر و نمادهای آن است اما رسوخ برخی از شعائر و سنتهای دنیای قدیم در شیوه‌های به نمایش گذاردن این شعائر هم قابل قبول است و خللی بر آرمانها و اصول اعتقادات شیعه وارد نمی‌سازد.

نتیجه‌گیری

در پایان لازم است که چندجمله‌ای به عنوان برآیند آنچه گفته شد و یا به عبارت دیگر نتیجه آورده شود.

نخست اینکه امیران ایرانی آل بویه نزدیک به یک قرن حاکمیتی با اقتدار در عراق به مرکزیت بغداد داشتند. دیگر آنکه حکمرانان آل بویه با زمینه شیعه زبیدی در خستگاه خود (مناطق شمالی و مرکزی ایران) و با توجه به قدرت و نفوذ شیعیان امامیه در عراق به مذهب شیعه امامیه گرویده و پیروان این مذهب و علمای آن را مورد احترام و حمایت خود قرار دادند و گفتمان پایدانی اینکه حکومت آل بویه نسبت به تقویت و رونق مراسم و موسام شیعه امامیه اهتمام فراوان ورزیدند و مراسم عزاداری امام حسین (ع) در عاشورا و جشن ولایت علی (ع) در غدیر خم را با شکوه و عظمت برپا کردند. همچنین در پروتو حکومت این سلسله ایرانی قیور ائمه شیعه در عراق مرمت و بازسازی شد و سنت زیارت این مقابر شریفه رو به گسترش بی‌سابقه نهاد. شعائر دیگر شیعه امامیه همچون گفتن «حی علی خیر العمل» و «اشهدان علیا ولی‌الله» در آذان استفاده از مهر نماز و تسبیحی که از تربت امام حسین (ع) ساخته شده بود و به کار بردن رنگ سفید در علایم و نشانه‌ها از دیگر نمادهای شیعه امامیه در عراق عهد آل بویه به شمار می‌آید.

فهرست منابع

- ابن‌اثیر، عزالدین ابی‌الحسن، تکامل فی‌التاریخ (بیروت دارالکتب العلمیه ۱۴۰۷/م ۱۹۸۷)
- ابن‌تقری بردی، جمال‌الدین ابی‌المحسن یوسفه انجم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره (قاهره نثرات العربیه، ۱۳۸۳/م ۱۹۶۲)
- ابن‌الجوزی، فی‌الفرج عبدالرحمن بن‌علی بن محمد بن علی المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم (جیدالابد نادر قالمعارف ائمنامیه ۱۳۵۸ م بی‌تی)
- ابن‌خلکان، عبدالرحمن بن محمد تاریخ ابن خلکان المسمی بکتاب المر و دیوان المتباد و النخیر فی‌الایام العرب و النجم المر برونم عصرهم من نوبی‌السلطان الاکبر (بیروت موسسه جمل لطباعه و النشر، بی‌تا)
- ابن‌ططقی محمدبن علی بن طباطبای تاریخ فخری در آذب ملککاری و دولتهای اسلامی، ترجمه محمد وحید گلپایگانی (تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷)
- ابن‌العربی، غریب‌رئوس لوفالفرج اهرور، تاریخ مختصر اللول، ترجمه محمدعلی تاج‌پور و رحمت‌الله ریاضی (تهران انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۴)
- ابن‌العماد الحنبلی، ابی‌الفلاح عبدالرحمن نثرات ذهب فی اخبار من الذهب (بیروت دارالاحیاء التراث العربیه، بی‌تا)
- ابن‌کتیرالمشقی، ابی‌انفاد الحافظ، البدایه و النباهه (بیروت دارالکتب العلمیه ۱۴۰۵/م ۱۹۸۹)
- ابن‌مسکویه‌الرازی، ابوعلی، تجارب‌الامم (تهران، در سروش لطباعه و النشر، ۱۳۶۹)



- اقبال، عباس، تاریخ ایران (تهران: کتیفروشی خیم، ۱۳۶۲)

- باسورته، اموند کلیفور، سلسله‌های اسلامی جدید ترجمه فریدون بن‌رهای (تهران: مرکز پژوهشی اسلام و ایران، ۱۳۸۱)

- بهن‌دای، حافظ ابی‌بکر احمدین علی‌تخطیبه تاریخ بهن‌دای لو مدینه السلام منذ نسیمیا حتی سنه ۶۴۲ هـ (بیروت: دارالکتب العلمیه بی‌تا)

- بیکانی، داوین محمدین محمد داود تاریخ بناتکی (تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۳۸)

- بیانی، شیرین (اسلامی نودشن)، تیسفون و بغداد در گذر تاریخ (تهران: انتشارات جیمی، ۱۳۷۷)

- البیرونی، ابوریحان محمدین احمد الکاتب الباقیه عن القرون الخالیه (تهران: میراث مکتوبه، ۱۳۸۰)

- بطرفوشکی، ایلیا بلولویچ اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز (تهران: انتشارات پیام، ۱۳۶۲)

- تنوخی، محسن بن علی، نشوار المحاضره و اخبار المذاکره (بمضمون، بی‌تا، ۱۳۶۱ هـ/۱۹۷۷ م)

- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران تا قرن هفتم هجری (تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹)

- حافظ ابروه، شهسپالین عبدالله خوافی، جغرافیای حافظ ابروه (تهران: مرکز نشر میراث مکتوبه، ۱۳۷۸)

- حموی، یاقوت‌بن عبدالله، معجم‌البیان (بیروت: داراجا اثرا العربی، ۱۳۹۹ هـ/۱۹۷۸ م)

- خوافی، غیاث‌الدین بن همالمالدین الحسنی، حبیب‌السیر (تهران: انتشارات کتیفروشی خیم، ۱۳۵۳)

- انبلیعی، الحسن بن ابی‌الحسن محمد ارشاد القلوب (قم: انتشارات الشریف الرضی، ۱۴۰۹ م ق)

- انبلیعی، الجلفا، العبر بن خیر بن غیر (بیروت: دارالکتب عملیه بی‌تا)

- زرین کوبه عبدالحمین، تاریخ مردم ایران (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷)

- نسیمی، کامل تشیع و تصوف ترجمه قراگوزلو (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۹)

- صابو، هلال، ذیل کتاب تجارب‌الامم (مصر: مطبعه شرکه التملن، ۱۳۳۳ هـ/۱۹۱۶ م)

- قتیعی، علی‌اسفر، آل‌ویه و لوضاع زملن ایشان (تهران: انتشارات صبا، ۱۳۵۷)

- گردیزی، بوسید عبدالجی‌بن ضحاک‌بن محمود، تاریخ گردیزی (تهران: نیای کتبه، ۱۳۶۳)

- ابن‌زیل، استانی، طبقات سلاطین اسلام، ترجمه عباس اقبال (تهران: انتشارات نیای کتبه، ۱۳۶۳)

- متر، ادم تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علی‌رضا کلوئی قراگوزلو (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲)

- مرعشی، ظهیرالدین بن سیننصرالدین، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران (تهران: موسسه مطبوعاتی شرق، ۱۳۴۵)

- مرعشی، ظهیرالدین بن سیننصرالدین، تاریخ گیلان و دیلمستان (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۴)

- مسعودی، حمدالله، تاریخ گردیده (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲)

- مسعودی، ابوالحسن علی‌بن حسین، لتیبه و الاشرافه ترجمه ابوالقاسم پاینده

(تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵)

- مظفر، محمدحسین، تاریخ شیعیه ترجمه محمداقبر جتتی (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹)

- المقریزی، قلی‌الدین احمدین علی‌بن عبدالقادرین محمد الحطاط المقریزیه (لبنان: دارالعلوم، بی‌تا)

- میرخواند، میرمحمدین سید برهان‌الدین خلونود شاه تاریخ روضه‌الصفا (تهران: انتشارات خیم، بی‌تا)

- المهدانی، محمدین عبدالملکه تکمله تاریخ الطبری (بیروت: مطبعه الکاتولیکیه، ۱۹۶۱ م)

پی‌نوشتها

۱. تمام سالهایی که در این مقاله ذکر شده است به هجری قمری می‌باشد

۲. مسعودی، انشیه و الاشراف، صفحات ۲۸۶ و ۲۸۷

۳. ابن‌خلونود، العبر، ج ۲، ص ۴۲۰

۴. بناتکی، تاریخ بناتکی، صفحات ۲۲۲ و ۲۲۳

۵. ابن یل، طبقات سلاطین اسلام، ص ۱۲۶، مقریزی، الخطط، ج ۴، ص ۱۸۶

۶. عباس اقبال، تاریخ ایران، ص ۱۵۹

۷. ابن‌خلونود، العبر، ج ۳، ص ۶۵۸ و میرخواند، روضه‌الصفا، ج ۳، ص ۵۲۰

۸. حافظ ابروه در این زمینه چنین می‌گوید: «الطباع لله به نفس خود غایت احسان او را به استقبال بیرون آمد و بیشتر از آن مهیود نبود که هیچ خلیفه‌ای از خلفای پیشین سلاطین را استقبال کردی».

حافظ ابروه، ج ۲، ص ۱۶۴

۹. شیرین بیانی، تیسفون و بغداد در گذر تاریخ، ص ۱۶۳ به نقل از حافظ ابروه، همچنین زرین کوب، تاریخ مردم ایران، ص ۴۴۴

۱۰. گویند سر بریدارش را در طشتی نزد عضدالدوله بردند. چون بید دستمالی پیش چشم گرفت و به گریه افتاد. بعدها سر پسرش مصمص‌الدوله در شورش فارس برای پسر زالدوله برده شد (ابن‌اثیر، الکامل، ج ۷، ص ۴۹۷)

۱۱. حافظ ابروه، ج ۲، ص ۱۶۴

۱۲. عباس اقبال، تاریخ ایران، ص ۱۶۷

۱۳. ابن‌عبری، مختصر الدول، ص ۲۳۲

۱۴. ابن‌مقطقی، الفخری، ص ۳۹۳

۱۵. بیانی، تیسفون و بغداد، ص ۱۶۶

۱۶. ابن‌خلونود، العبر، ج ۲، ص ۶۷۶

۱۷. همان مأخذ، ص ۴۴۸

۱۸. گردیزی، زین‌الاحبار، ص ۲۰۹

۱۹. عباس اقبال، تاریخ ایران، ص ۱۷۵

۲۰. همان مأخذ، ص ۱۷۶

۲۱. بیانی، تیسفون و بغداد، ص ۱۶۹

۲۲. ابن‌اثیر، الکامل، ج ۹، ص ۶۱۴

۲۳. ابن‌خلونود، العبر، ج ۳، ص ۳۹۵

۲۴. رک به: ظهیرالدین مرعشی، تاریخ طبرستان، ص ۱۲۷ به بعد

۲۵. خاجوان، تاریخ تشیع، ص ۱۳۴



- ۲۷. بطروشفسکی، اسلام در ایران، ص ۲۷۶
- ۲۸. ابن کثیر، البیاه و النهایه ج ۱۱، ص ۲۰۷، مرعشی، تاریخ طبرستان، ص ۶۷
- خوند میر، حبیب‌الیر، ج ۲، ص ۳۰۲، و زین کوبه، تاریخ مردم ایران، ص ۴۷۸
- ۲۹. کمال شبلی، تسبیح و تصوف ص ۴۲، همچنین علی‌اصغر فقیهی، آل بویه ص ۴۶۷، به نقل از مراد الجنتان، ج ۳، ص ۲۲۷
- ۳۰. ابن کثیر، البیاه و النهایه ج ۱۱، ص ۱۵۹، ابن خلطون، العبر، ج ۲، ص ۲۲۵، همنانی، تکمله تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۸۲
- ۳۱. ابن جوزی، المنتظم ج ۷، ص ۱۵، ابوالحسن، التجوم الزاهره ج ۲، ص ۲۲۷
- ۳۲. ابن جوزی، المنتظم ج ۷، ص ۱۵
- ۳۳. ابوالحسن، التجوم الزاهره، ج ۴، ص ۲۱۸
- ۳۴. ابن کثیر، البیاه و النهایه ج ۱۱، ص ۲۹۲
- ۳۵. ابن اثیر، الکامل، ج ۸ ص ۲۲۶
- ۳۶. ابن المملا حنبلی، شذرات الذهبه ج ۴، ص ۱۳۰
- ۳۷. بنا به نوشته ابن خلطون برپایی جشن غیرخیم از سال ۲۵۱ شروع شد رک به: ابن خلطون، العبر، ج ۲، ص ۴۲۵
- ۳۸. منصور دوانیقی در سال ۱۴۹ بغداد را بنا کرد و مقابر قریش را قبرستان آن شهر قرار داد. نخستین کسی که در آن به خاک سپرده شد جعفر پسر منصور بود. (شاید منظور نخستین فرد مشهور باشد) به تدریج اطراف مقابر قریش مسکونی و تبدیل به محله بزرگ و پرجمعیتی شد. بعدها پیکر امام موسی کاظم(ع) و امام جواد(ع) در آن قبرستان مدفون شد و به همین دلیل این مکان به کاظمین یا کاظمیه مشهور شد. امروزه این مکان از محله‌های بغداد محسوب می‌شود.
- ۳۹. یاقوت حموی، المعجم‌البلدان، ج ۵، ص ۱۶۳، همچنین خطیب بغدلی، تاریخ بغداد ج ۱، ص ۱۲۰) مزارالدوله در سال ۱۲۳۶ فرمان داد تمام ساختمان آستانه کاظمین را خراب و به جای آن ساختمان عظیم و باشکوهی بنا کنند. وی بر فراز هر کدام از مقبره‌های امامان شیعه ضریح جداگانه‌ای بنا کرد و کنار ضریح کاخ باشکوهی برای خود بنا نمود. وی روزهای پنج‌شنبه با وزرا و اعیان و اشرف و فرماندهان به زیارت کاظمین می‌رفت و صبح شنبه به مقر حکومت خویش در بغداد بازمی‌گشت (ذهبی، العبر من خبر من غیر، ص ۲۳۲)
- ۴۰. همنانی، تکمله تاریخ الطبری، ج ۱، ص ۱۸۷، ابن جوزی، المنتظم ج ۷، ص ۱۶، ابن کثیر، البیاه و النهایه ج ۱۱، ص ۱۵۹، و ذهبی، العبر، ج ۲، ص ۹۰
- ۴۱. ابن اثیر، الکامل، ج ۷، ص ۳۱۶، ابن کثیر، البیاه و النهایه ج ۱۱، صفحات ۲۶۸، ۲۶۹ و ۲۷۱
- ۴۲. ابن جوزی، المنتظم ج ۶، ص ۱۶۳، و ذهبی، تاریخ الاسلام، ص ۹
- ۴۳. ابن المملا حنبلی، شذرات الذهبه ج ۴، ص ۱۳۰ و هلال صابی، ذیل تجارب‌الامیه ص ۳۴۰
- ۴۴. حضرت علی(ع) در نجف امام حسین(ع) در کربلا، امام کاظم(ع) و امام جواد(ع) در کاظمین، امام هادی(ع) و امام حسن عسکری(ع) در سامرا
- ۴۵. رک به: مرعشی، تاریخ طبرستان، ص ۶۷، خابونیان، تاریخ تسبیح، ص ۱۳۵ و فقیهی، آل بویه ص ۴۸۱
- ۴۶. ذهبی، العبر، ص ۱۲۲
- ۴۷. همنانی، تکمله ج ۱، ص ۲۲۱
- ۴۸. غیاث‌الدین السید عبدالکریم بن طلوس، فرقه‌النری فی تعیین قبر امیرالمومنین (ع)، ص ۱۳۲
- ۴۹. ابوالسحاق صابی، یتیمه‌الهر، ج ۱، ص ۷۱ و ج ۲، ص ۵۲
- ۵۰. ظهیرالدین مرعشی، تاریخ طبرستان، ص ۶۷
- ۵۱. ابن جوزی، المنتظم ج ۸، ص ۱۰۵
- ۵۲. ذهبی، العبر، ص ۳۳۲
- ۵۳. حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده ص ۴۱۵
- ۵۴. الحسن بن ابی‌الحسن محمدالبلیغی، ارشادالقلوب ج ۱، ص ۳۲۶
- ۵۵. غیاث‌الدین السید عبدالکریم بن طلوس، فرقه‌النری، ص ۱۲۲
- ۵۶. مظفر، تاریخ شیمه، ص ۱۵۴
- ۵۷. خلیفه تاریخ بغداد ج ۱، ص ۲۴۴
- ۵۸. همنانی، تکمله صفحات ۱۲۱ و ۱۵۹
- ۵۹. چنانچه فردی که به حرم امام حسین(ع) بی‌ایمی کرده بود به دستور عضدالدوله به سختی توبیخ می‌شد. (ابن مسکویه تجارب‌الامیه، ج ۶ ص ۲۱۶)
- ۶۰. ابن اثیر، الکامل، ج ۹، ص ۱۸
- ۶۱. التسنوخی، نوار المحاضره ج ۲، ص ۱۲۳، ابن جوزی، المنتظم ج ۸، ص ۱۵۴
- ۶۲. مقریزی، السلوک ج ۴، ص ۱۸۴
- ۶۳. ابن جوزی، المنتظم ج ۸، ص ۱۶۴، و ابن خلطون، العبر، ج ۲، ص ۴۶۰
- ۶۴. روهول، احسن التولیع ج ۲، ص ۱۶۱
- ۶۵. ابن اثیر، الکامل، ج ۹، ص ۵۶۱
- ۶۶. ثمالی، یتیمه‌الهر، ج ۲، ص ۱۸۲
- ۶۷. آدام متر، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری قمری، ص ۸۶
- توضیح اینکه مسجد برناز مکانهای مقدس شیعیان است و عقیده بر آن است که محل اقامت عهده زید یا یاسبران و ولیای الهی همچون ابراهیم خلیل‌الله (ع)، حضرت عیسی (ع) و حضرت مریم بوده است. همچنین گفته شده است که حضرت علی (ع) به همراه دو فرزندش امام حسن و امام حسین(ع) و یارانش هنگام نبرد با خوارج مدتی را در اینجا رحل اقامت افکنده و در این مکان با فضیلت عبادت کرده و بر فضیلت آن افزودند. همچنین کراماتی همچون ظاهر کردن چنمه‌ای که برای مریم مقدس جاری شد و سنگ تبریگی که مریم، حضرت عیسی (ع) را بر آن نهاد را به علی (ع) نسبت می‌دهند (رک به: شیخ عیسی قمی، مفتاح الجنان، فضیلت مسجد برانا)
- ۶۸. ثمالی، یتیمه‌الهر، ج ۲، ص ۲۰۶
- ۶۹. ابن جوزی، المنتظم ج ۸، ص ۱۷۹
- ۷۰. باسورت سلسله‌های اسلامی، ص ۳۰۵
- ۷۱. رک به: ابن طقفی، تاریخ فخری، ص ۳۳۹ و بیرونی، اناب‌الایقید، ص ۴۵ و میرخوند روضه‌تسقا، ج ۴، ص ۶۱۲
- ۷۲. باسورت سلسله‌های اسلامی، ص ۲۰۵، و ابن‌بیل و بارتولک تاریخ دولت‌های اسلامی و خاندانهای حکومتگر، ص ۲۳۱
- ۷۳. رسول جعفریان، تاریخ تسبیح، ص ۳۱۶
- ۷۴. تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۲۲۳

